



## تجارت آزاد، افسانه ای در اقتصاد نئولیبرالی<sup>۱</sup>

نویسنده: انور شیخ\*

مقدمه مترجم

«تجارت آزاد» از جمله اصطلاحات متداول در مباحث اقتصادی است که برخلاف معنی لغوی پسنیدۀ آن نتایج ناگواری برای کشورهای در حال توسعه در پی داشته است. در این مقاله بنیادین، نویسنده با تحلیلی موشکافانه از نظام تجارت بین المللی، ضمن پرده برداری از فریب مستتر در این نظریه، چگونگی عقب افتادگی و وامداری بیشتر کشورهای ضعیف در رقابت تجاری امروز را توصیف می کند. اهمیت درک درست تجارت آزاد به عنوان یک راهبرد استعماری در این است که با استناد فریبکارانه به آن، کشورهای قدرتمند به ویژه آمریکا توانسته اند با موفقیت، شماری از پیمان های اقتصادی نابرابر را به منظور دخالت سلطه جویانه در سیاستگذاری های داخلی دیگر کشورها، به امضا رسانند. «سازمان تجارت جهانی»<sup>۲</sup> یکی از این پیمان هاست که تا سال ۱۹۹۵ با عنوان «موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت»<sup>۳</sup> نامیده می شد. عضویت در سازمان تجارت جهانی پذیرش تعدادی از این پیمان های نابرابر را در پی دارد که از این جمله می توان به «موافقت نامه در مورد جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری»<sup>۴</sup> و «موافقت نامه چند جانبه در سرمایه گذاری»<sup>۵</sup> که با انتقادات بسیاری از جانب تحلیلگران روبرو شده است اشاره کرد.<sup>۶</sup>

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

ما در جهانی زندگی می کنیم که در آن ثروت کلان و فقر گسترده در کنار هم قرار گرفته است. ثروتمندترین کشورها به داشتن درآمد سرانه بیش از ۳۰ هزار دلار افتخار می کنند در حالیکه در کم درآمدترین کشورها این رقم از ۱۰۰۰ دلار تجاوز نمی کند. بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر در جهان، یعنی از هر ۵ نفر ۱ نفر، درآمدی کمتر از ۱ دلار در روز دارد. به استثنای کشور چین، در سایر کشورهای جهان فرآیند سریع جهانی شدن به افزایش گرسنگی و فقر انجامیده است. اگر چه توانایی لازم برای تغذیه، درمان و اسکان تمامی جمعیت دنیا سال

<sup>۱</sup> این متن ترجمه مقاله زیر است:

Anwar Shaikh, "The Economic Mythology of Neoliberalism," in Alfredo Saad-Filho, ed., *Neoliberalism: A Critical Reader* (London: Pluto Press, 2005)

<sup>۲</sup> World Trade Organization / WTO

<sup>۳</sup> General Agreement on Tariff and Trade / GATT

<sup>۴</sup> Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights / TRIPS

<sup>۵</sup> The Multilateral Agreement on Investment / MAI

<sup>۶</sup> تحلیل های بسیاری پیرامون پیمان های نابرابر اقتصادی تحت عنوان تجارت آزاد منتشر شده است. برای مطالعه بیشتر در این مورد

و یافتن دیگر منابع به متون زیر نگاه کنید. مترجم

هاست که وجود داشته، اما ما کماکان شاهد آمارهای سالانه ای چون ۱۳ میلیون مورد مرگ و میر کودکان به لحاظ ابتلا به اسهال، تلفات جانی بیش از نیم میلیون زن در هنگام زایمان، و بیش از ۸۰۰ میلیون مورد ابتلا به سوء تغذیه در جهان ایم.

واقعا بهترین راه حل برای رفع این مسایل جهانی چیست؟ جواب متداول به این سوال: «تجارت آزاد بین کشورها بدون هیچگونه ممنوعیت و مانعی.» این راه حل، اساس مدل نئولیبرالی اقتصاد را تشکیل می دهد. این مدل مدعی است که تجارت آزاد قادر است فقر را ریشه کن کرده و این مسایل را به یکباره حل کند.

### نئولیبرالیسم: در تئوری و در عمل

در حال حاضر ایدئولوژی حاکم بر فرآیند جهانی شدن اقتصاد، تفکر نئولیبرالی است. آنچه به تبعیت از این تفکر اجرا شده است ریشه در مدل استاندارد اقتصاد<sup>۷</sup> دارد. در این مکتب اقتصادی، بازار ساختاری اجتماعی با عملکردی بهینه است. ساختاری که قادر است در صورت خارج شدن از تعادل به صورت خودکار خود را تنظیم کند. اگر بازارها به حال خود رها شوند، تمامی نیازهای جامعه را با بهره گیری بهینه از منابع برطرف خواهند کرد ضمن اینکه برای همه جویندگان کار، شغل نیز ایجاد می کنند. به همین دلیل، جهانی شدن بازارها نیز بهترین راه برای تعمیم این برکات و فواید بازار به سراسر جهان تلقی می شود. به نقل از «مایک مور»، رییس پیشین سازمان تجارت جهانی، «مطمئن ترین راه برای کمک به فقرای جهان ادامه به گشودن بازارهای جهانی است.» گشودن بازارها به روی تجارت جهانی از ارکان تفکر نئولیبرالی است.

از این منظر، دلیل فقر، بیکاری و بحران های دوره ای در اقتصاد کشورها، دخالت اتحادیه های کارگری، مقررات مزاحم دولت ها، و بسیاری از روش ها و رسومات ریشه دار در تاریخ و فرهنگ کشورها است که به شکل مانعی در عملکرد آزادانه بازارها عمل می کند. تحلیلگران نئولیبرالی این برداشت از تاریخ را نه تنها در بررسی و تحلیل روند کنونی توسعه در کشورهای فقیر، بلکه در توصیف فرآیند توسعه در کشورهای ثروتمند دنیا نیز درست می

<sup>7</sup> standard economic theory

دانند. پس از این منظر، می‌طلبید که برای اجرای موفقیت‌آمیز جهانی سازی اقتصاد، ساختارهای اجتماعی در سراسر جهان با انجام اقدامات زیر مطابق با نیازهای اقتصاد بازار اصلاح شوند: در تمامی کشورها نفوذ مجامع کارگری از هر نوع آن می‌باید تضعیف شود تا کارفرما بتواند در هر لحظه که بخواهد کارگران و کارمندان خود را استخدام و یا اخراج کند؛ بنگاه‌های دولتی می‌باید به بخش خصوصی واگذار شود تا کارکنان آنها مطابق با مقتضیات بخش خصوصی، استخدام، مدیریت و اخراج شوند؛ بازارهای داخلی برای ورود کالاها و سرمایه خارجی گشوده شود. این رکن دیگری از تفکر نئولیبرالی است.

نئولیبرالیسم، در تئوری و در عمل، از سوی بسیاری از صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و دانشگاهیان با انتقادات شدیدی روبرو شده است. اما با این وصف، این چشم‌انداز برای مدیریت اقتصاد جهانی دارای مقبولیت گسترده‌ای است. نفوذ این تفکر را می‌توان در علوم اجتماعی و نیز در افکار عمومی و بیش از همه، در عملکرد سیاست‌گذاران به وضوح مشاهده کرد. کشورهای قدرتمند و نهادهای اقتصادی و سیاسی حامی این تفکر تا کنون موفق شده‌اند که غلبه بازار را در جهان توسعه دهند. همزمان، فقر و نابرابری بی‌سابقه نیز مشاهده می‌شود و بحران‌های مختلف اقتصادی از جمله رخدادهای عادی در دنیا شده است.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

### تجارت آزاد، توجیهی برای تفکر نئولیبرالی

متفکران نئولیبرال معتقدند که بر اساس نظریه تجارت آزاد، رقابت بین شرکت‌کنندگان در تجارت جهانی موجب می‌شود که برکات بازار خود به خود به تمام کشورها برسد. به نقل از «پل کروگمن»<sup>۸</sup>، تجارت آزاد از ارکان مقدس مدل استاندارد اقتصاد است. اما شرایط رقابتی حاکم در اقتصاد امروز جهان با شرایط رقابتی‌ای که در مدل استاندارد تجارت آزاد ضروری تلقی می‌شود بسیار فاصله دارد. منتقدین نئولیبرالیسم به ما گوشزد می‌کنند که اگر چه کشورهای ثروتمند دنیا به سایر کشورهای دنیا در مورد مزایای تجارت آزاد موعظه می‌کنند، اما وقتی همین کشورها سعی در بالا رفتن از نردبان توسعه داشتند از سیاست‌های حمایتی و دخالت دولت برای حفاظت از بازارهای داخلی خود استفاده می‌کردند. این منتقدین با ذکر شواهدی اشاره می‌کنند که این عملکرد دوگانه حتی تا به امروز ادامه یافته است.<sup>۹</sup>

<sup>۸</sup> Krugman 1987, p. 131.

<sup>۹</sup> Agosin and Tussie 1993, p.25; Rodrik 2001, p.11; Chang 2002; Stiglitz 2002

مدافعین سیاست های نئولیبرالی جواب حاضر و آماده ای برای این منتقدین دارند. ایشان ادعا می کنند که در گذشته شرایط کاملا رقابتی نبود و لذا گذشته را نمی توان الگویی برای مدیریت اقتصاد امروز قرار داد. ایشان مصرند که با کمک نهادهای بین المللی مرتبط با تجارت جهانی می توان کاری کرد که رقابت جهانگیر شود. و وقتی این هدف محقق گردد، تجارت جهانی به همان صورت که انتظار می رود عمل خواهد کرد. لذا اساسی است که برای رسیدن به موفقیت، هر گونه عاملی که مانع آزادی بازار شود از میان برداشته شود، به ویژه در کشورهای در حال توسعه.<sup>10</sup> این استدلال مدافعان نئولیبرالیسم است.

وقتی که مسئله به این صورت مطرح می شود، پس بحث اساسا بر سر این است که به چه قیمتی باید این شرایط مطلوب رقابتی فراهم گردد؟ و چه میزان از رقابت کافی است؟ به اعتقاد منتقدین تفکر نئولیبرالی، بازارها هرگز به صورتی که در کتاب های درسی رشته اقتصاد توصیف شده عمل نمی کنند چرا که در دنیای مدرن، قدرت حاکم است: قدرت انحصار، قدرت طبقاتی، قدرت دولت ها، و قدرت کشورهای ثروتمند و قدرتمند بر کشورهای ضعیف.<sup>11</sup> سعی در تحمیل یک مدل رقابتی دلخواه برخی از کشورهای مسلما حقوق عده زیادی در دیگر جوامع را لگدمال می کند.

مدافعین نئولیبرالیسم می گویند که مزایای درازمدت بازار که همه آن را قبول دارند ارزش این را دارد که در دوران گذار هزینه هایی را در بر داشته باشد. البته مطلوب تر است که این هزینه توسط طرف مقابل پرداخت شود. در برخی سیاست های افراطی مورد نظر نئولیبرالیست ها که حتی قایل به چیزی به نام «شوک تراپی»<sup>12</sup> است، گاه لازم می شود که روش ها و نهادهای بومی که مانع تجارت آزاد می شوند به یکباره ریشه کن گردند.

شگفت آور است که صاحب نظران در دو سوی این مناظره به نحوی می پذیرند که اگر شرایط رقابتی کافی وجود داشته باشد، تجارت آزاد به خوبی عمل خواهد کرد. این فصل از کتاب حاضر می خواهد نشان دهد که این مدعا اساسا نادرست است. این فقدان رقابت نیست که

<sup>10</sup> Bhagwati 2002, lecture 1

<sup>11</sup> McCartney 2004

<sup>12</sup> shock therapy

همزمان و در کنار هم، توسعه و توسعه نیافتگی، فقر و ثروت، و اشتغال و بیکاری را به صورتی افراطی برای تمامی کشورهای دنیا به ارمغان آورده است. بلکه دقیقاً این رقابت است که به این مسایل در جهان دامن زده است.

رقابت در تجارت آزاد بین کشورها فرق چندانی با رقابتی که در بین بنگاه ها در داخل یک کشور رخ می دهد ندارد؛ در رقابت، قوی همواره بر ضعیف چیره می شود. از این منظر، مسلم است که کشورهای ضعیف در عرصه رقابت جهانی پایمال می شوند. به همین خاطر کشورهایی که حالا قوی و ثروتمند اند در زمان ترقی خود به درستی اقدام به حمایت از بازارهای داخلی خود کردند چرا که رقابت بین المللی را تهدیدی برای توسعه خود به شمار می آوردند. اگر چه هم اکنون حاشا می کنند، اما آنچه ایشان در آن زمان می دانستند و حالا هم می دانند این است که قدرت عظیم بازار وقتی درست عمل می کند که با تدبیر، برای بهره دهی به کل جامعه، مهار شود.

منطق مدل استاندارد تجارت آزاد

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

در کتاب های مقدماتی رشته اقتصاد، نظریه تجارت آزاد با مثالی نارسا معرفی می شود. از خواننده می خواهند که به جای دو کشور دو فرد را در نظر بگیرند که در حال مبادله آزاد دو کالا باهم اند. به خواننده چنین القا می شود که این افراد فقط اگر مطمئن باشند که در این مبادله در ازای چیزی که می دهند چیزی خواهند ستاند و معامله به سود آنها تمام خواهد شد راضی به مبادله می شوند. پس تجارت آزاد به نفع تمامی طرف های معامله کار می کند. در این کتب، به نظر می رسد، که نکته اصلی در نظریه تجارت آزاد همین است و دیگر نکات در مورد تجارت آزاد جزو جزئیات کم اهمیت است و ارزش مطالعه بیشتر را ندارد.

اما مثل هر کلک شعبده بازی دیگر، این مثال حاوی نکته ای است که حواس خواننده را از موضوع اصلی پرت می کند. در دنیای سرمایه داری، این بنگاه ها هستند که در عرصه بین المللی با هم تجارت می کنند نه افراد یا دولت ها. صادرکنندگان یک کشور با وارد کنندگان کشوری دیگر معامله می کنند و سپس وارد کنندگان، کالاهای خریداری شده را به مصرف کنندگان می فروشند. در هر مرحله از تجارت نیز کسب سود، انگیزه اصلی خرید و فروش

است. تفاوت بزرگ معاملات بین دو فرد در جامعه و دو بنگاه در تجارت بین الملل که صرفاً برای کسب سود تجاری با هم معامله می کنند در کتاب های مقدماتی رشته اقتصاد هرگز مطرح نمی شود مبادا در اذهان دانشجویان ذره ای شک در اعتبار تئوری تجارت آزاد برانگیخته شود.<sup>۱۳</sup>

برای اینکه برابری و رضایت کامل طرفین در تجارت بین دو کشور مثل معامله پایاپای درست از آب درآمد ضروری است که چند چیز رخ دهد: اول اینکه، اگر تجارت بین هر دو کشور از تعادل خارج شد، یعنی اینکه صادرات یکی از وارداتش کمتر گردید، باید به صورت خودبخود تغییراتی در قیمت های کالاهای تجاری بین دو کشور رخ دهد که تعادل در تجارت بین دو کشور برقرار گردد. مثلاً تصور کنید که یکی از این کشورها کسری تجاری داشته باشد، یعنی اینکه ارزش کالاهایی که در خارج توسط صادرکنندگان فروخته می شود کمتر از ارزش کالاهایی است که در داخل توسط واردکنندگان فروخته می شود. برای برطرف شدن خودبخودی این نابرابری در تجارت، لازم است که قیمت کالاهای صادراتی برای خریداران خارجی ارزان تر شود، تا بر اساس نظریه های اقتصادی، ایشان مقدار بیشتری از این کالاها را بخرند. و همزمان قیمت کالاهای وارداتی می باید گران تر شود تا مصرف کنندگان داخلی مقدار کمتری از کالاهای وارداتی بخرند.

دوم اینکه این تغییرات نسبی قیمت ها باید عملاً بر کسری تجاری کشور تاثیر داشته باشد. یعنی ارزش پولی کل کالاهای صادر شده نسبت به کالاهای وارد شده می باید افزایش یابد. عکس این رخداد هم کاملاً ممکن است. بدینصورت که اگر مثلاً قیمت کالاهای صادراتی ۱۰ درصد کاهش یابد و مصرف کنندگان خارجی ۵ درصد بیشتر از این کالاها خریداری کنند، این موجب می شود که ارزش کل صادرات کالا از این کشور عملاً کاهش یابد چون کاهش قیمت بیش از افزایش کمی خرید است. پس مدل استاندارد باید این فرض را هم در بر گیرد که کمیت های مصرف باید به اندازه کافی نسبت به قیمت ها نوسان داشته باشد.

---

<sup>13</sup> کتاب های سال های بعد در رشته اقتصاد کم کم به دانشجو می آموزند که تجارت بین دو ملت می باید تابع یک سری قوانین واقعی مرتبط با رقابت باشد تا هر دو از تجارت بین المللی سود ببرند. این مثل آن است که به دانشجو بگویند کشورها برای تجارت آزاد نباید متوسل به جنگ امپریالیستی یا غارت شوند. این کتاب ها دیگر نمی گویند که اگر کشوری حاضر به وارد شدن به تجارت با کشورهای بزرگ نشود چه بلاهایی که سرش نمی آید.

پس به زبانِ تئوری تجارت بین‌المللی، وقتی کشوری کسری تجاری را تجربه می‌کند، لازم است که قیمت‌های کالاهای صادراتی به نسبت قیمت کالاهای وارداتی کاهش یابد. و همچنین این تغییر باید به میزانی صورت گیرد که عملاً کسری تجاری را از میان بردارد. این دو ضرورت در تجارت بین‌المللی باعث خواهد شد که هر گونه عدم تعادل تجاری توسط ساز و کاری درونی که میل به برقراری این تعادل دارد اصلاح شود. به بیان دیگر، فقط در این صورت است که تجارت آزاد تضمین می‌کند که هر کشور قادر به رقابت در بازار جهانی خواهد بود.<sup>۱۴</sup>

مفروضات تئوریک بالا برای تحقق تجارت آزاد واقعی و ایجاد فرصت رقابت برای همه کشورهای لازم‌اند، اما کافی نیستند چرا که باید تبعات تجارت بین‌المللی بر وضعیت کار و اشتغال در کشورها را نیز در نظر گرفت. در کشورهایی که قادر به حمایت از صنایع و بازارهای خود نباشند مسلماً در صورت برقراری تجارت آزاد احتمالاً در برخی از بخش‌های اقتصادی تعدادی از مشاغل موجود از دست می‌رود و در برخی دیگر از بخش‌ها تعدادی مشاغل جدید به وجود خواهد آمد. احتمالاً برخی بنگاه‌ها ورشکست و از عرصه اقتصادی خارج می‌شوند و تعدادی بنگاه‌های جدید به وجود می‌آیند و رونق می‌گیرند.

اما هیچیک از این رخدادها تضمین نمی‌کند که تعداد مشاغل جدید بیش از تعداد مشاغل از میان رفته باشد. پس ما به بیش از اینها نیاز داریم. تئوری اقتصاد فرض را بر این می‌گیرد که فعالیت‌های مرتبط با تجارت خود بخود اشتغال کافی برای همه آنها را که طالب کار اند به وجود می‌آورد. اقتصاددانان به ما اطمینان می‌دهند که در مجموع، تعداد مشاغل از دست رفته زیاد نخواهد بود چون اشخاصی که شغل خود را در یک بخش از دست می‌دهند، به برکت رونق اقتصادی بیشتر (به واسطه تجارت آزاد)، در جای دیگری مشغول می‌شوند. و این سومین رکن تئوری حاکم بر تجارت بین‌المللی است.

تا اینجا بحث را خلاصه کنیم: مدل استاندارد تجارت بر سه مدعا متکی است: نخست اینکه هر نوع کسری در تجارت یک کشور خود بخود موجب کاهش قیمت کالاهای صادراتی نسبت به کالاهای وارداتی می‌شود. دوم اینکه، این کاهش قیمت موجب بالا رفتن کلی ارزش

<sup>14</sup> Arndt and Richardson 1987, p.12.

صادرات آن کشور (به لحاظ بالا رفتن تقاضا برای آنها) و لذا بهبود تراز تجاری آن کشور می شود. البته این تنظیم تجارت کشور مورد نظر می طلبد که میزان رشد صادرات به حدی باشد که خیلی بیشتر از کاهشی که نزول قیمت کالاهای صادراتی در کل ارزش صادرات آن کشور به وجود می آورد را جبران کند. و سوم اینکه، پس از تنظیمات خودکار واردات و صادرات، هیچ کشوری، به لحاظ تجارت بین المللی، شغلی از دست نخواهد داد. این سه پدیده با هم «تئوری نئوکلاسیک مزیت نسبی هزینه»<sup>15</sup> نامیده می شود. رخداد این سه پدیده با هم به این معنی است که تمام کشورها همواره از تجارت بین المللی سود می برند.

لازم است که در اینجا تفاوت «تئوری مزیت نسبی هزینه» با «تئوری مزیت نسبی عامل تولید»<sup>16</sup> را روشن کنیم. اگر چه این دو تئوری از نظر مفهومی باهم متفاوت اند، اما غالبا با هم اشتباه گرفته می شوند. تئوری اول به این معنی است که تجارت بین دو کشور نهایتا برابر می شود بدون اینکه به میزان اشتغال در دو کشور لطمه وارد کند. به عبارت دیگر، حتی اگر در ابتدای روابط تجاری این دو کشور، یکی از طرفین به علت قیمت های بسیار پایین اجناس صادراتی از دیگری پیشی گیرد، به تدریج تجارت آزاد باعث می شود که به طور خودکار این برتری برطرف شده و تعادل تجاری بین دو کشور برقرار شود.

از آنجاییکه در تجارت بین دو کشور معمولا بیش از یک صنعت دخیل است، لذا مراتب تنظیماتی که در کاهش و افزایش کالاهای صادراتی یک کشور رخ می دهد در صنایع مختلف متفاوت خواهد بود. در کشوری که با کسری تجاری رابطه بین المللی جدید خود را آغاز می کند، صنایعی به تدریج پیشی می گیرند که بتوانند از قیمت کالاهای خود بیشتر بکاهند. بر اساس «تئوری مزیت نسبی عامل تولید»، این صنایع از مزیت نسبی در یک یا چند عامل تولید برخوردارند. به عبارت دیگر، این صنایع از منابع محلی ارزان تر برخوردارند. و منابع محلی ارزان تر آن دسته از منابعی هستند که نسبت به دیگر عوامل تولید بیشتر مهیا باشند. عوامل تولید شامل چیزهایی مثل سرمایه، نیروی انسانی، زمین و نظیر اینهاست. پس اگر مثلا زمین در یک کشور به وفور یافت شود، صنایعی که متکی به زمین اند، مثل کشاورزی، به احتمال زیاد از مزیت نسبی بالاتری برخوردارند. و به همین دلیل نیز در تجارت بین المللی، این کشور در

<sup>15</sup> Neoclassical theory of comparative cost advantage

<sup>16</sup> Theory of comparative factor advantage



رقابت با دیگر کشورها در ارتباط با این صنایع از مزیت نسبی هزینه بالاتری نیز برخوردار خواهد بود چون می توانند کالاهای صادراتی خود را با قیمت پایین تری عرضه کنند.

### وقتی تئوری با واقعیت جور در نمی آید

پس تا اینجا، با بررسی مدل استاندارد تجارت به این نتیجه رسیدیم که نیروهای موجود در بازار به طور خودکار تراز تجاری بین کشورها را برقرار می کند ضمن اینکه به طور کلی لطمه ای هم به بازار کار ملت ها وارد نمی سازد. بنابراین، تجارت بین المللی دسترسی به کالاهای ارزان و یا با کیفیت برتر را بدون اینکه به کسی لطمه وارد شود فراهم می سازد. همه چیز به خوبی کار می کند، اگر و فقط اگر، دولت ها اجازه دهند که بازار، ساز و کار معجزه آسای خود را عملی کند.

اولین ایراد این مدل این است که شواهد موجود آن را تایید نمی کند. کسری های تجاری خود بخود از میان نرفته است، نه در کشورهای در حال توسعه و نه حتی در کشورهای توسعه یافته، نه در گذشته و نه در حال، نه با نرخ ثابت ارز و نه با نرخ شناور ارز.<sup>۱۷</sup>

برعکس، امروزه عدم تعادل تجاری بین کشورها چیزی عادی شده است. ایالات متحده الان ۳۰ سال است که کسری تجاری داشته و ژاپن ۴۰ سال است که از مازاد تجاری بهره مند بوده است. ناهمخوانی شواهد موجود با این تئوری در زمینه مشاغل نیز صادق است. بیکاری صفر درصد نتیجه طبیعی بازارهای رقابتی نیست. در همین دهه اخیر، حتی کشورهای توسعه یافته شاهد نرخ های بیکاری بالا از ۳ تا ۲۵ درصد بوده اند. مسئله بیکاری در کشورهای در حال توسعه البته شدیدتر است، چیزی در حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر در حال حاضر در این کشورها بیکارند.<sup>۱۸</sup> بسیاری از این افراد حتی امیدی به یافتن شغل در تمام طول عمر خود را هم ندارند. تعداد قابل توجهی از اقتصاددانان پذیرفته اند که در نظام سرمایه داری هیچ تمایل خود بخودی به سوی اشتغال صد در صد در جامعه وجود ندارد.

<sup>17</sup> Harvey 1996.

<sup>18</sup> ILO 2001

دومین ایراد این است که باور به مدل استاندارد تجارت بین المللی موجب شده که اقتصاددانان در ارتباط با موضوع رقابت، دیدگاهی دوگانه اتخاذ کنند. وقتی اقتصاددانان موضوع رقابت را در چارچوب اقتصاد داخلی یک کشور بحث می کنند، شکی باقی نمی گذارند که در رقابت، طرف قوی بر طرف ضعیف چیره می شود. اگر دو مجموعه از بنگاه ها در یک بازار با هم رقابت کنند، بنگاه هایی که توان ارائه کالا با قیمت های پایین تر را دارند به تدریج بنگاه هایی که دارای قیمت های بالاتری هستند را به حاشیه رانده و از عرصه خارج می کنند. اقتصاددانان این نتیجه رقابت را پسندیده می دانند چون خود بخود موجب حذف بنگاه های ضعیف و ناکارآمد در اقتصاد می شود.

معمولا همین برداشت نیز به مباحث اقتصادی مرتبط با مناطق اقتصادی رقیب در درون یک کشور هم تعمیم داده می شود. تولید کنندگان مناطقی که قادر به تولید کالا با قیمت کمتر اند بسیاری از محصولات خود را به مناطق اقتصادی با قیمت بالاتر می فروشند بدون اینکه کالایی از این مناطق خریداری کنند. لذا منطقه کم قیمت از مزاد تجاری بهره مند می شود در حالی که دیگر مناطق از کسری تجاری رنج می برند و از رونق می افتند. اقتصاددانان مسئله ای با این پدیده ندارند چون فرض را بر این می گیرند که آن دسته از کسانی که در مناطق قیمت بالا مشغول خود را از دست می دهند، در مناطق دیگر که دارای مزاد تجاری اند مشغول به کار می شوند.

اما همان اقتصاددانانی که اینچنین در مورد نتیجه رقابت اقتصادی در درون یک کشور نظریه پردازی می کنند در مورد رقابت بین کشورها سخن دیگری می گویند. ایشان در نظریه پردازی های خود در تجارت بین المللی، به سادگی تئوری قبلی خود را رها می کنند و تئوری دیگری را جایگزین آن می کنند. برای ایشان، رقابت درون یک کشور، رقبای ضعیف را تنبیه و رقبای قوی را تشویق می کند، اما در رقابت بین کشورها، ضعیف تقویت و قوی تضعیف می شود. آیا این با عقل جور در می آید؟ پس واقعیت قضیه در کجاست؟

## تئوری رقابت واقعی در تجارت بین المللی

پیچیدگی و دشواری درک تئوری های مرتبط با تجارت بین المللی از میان بر می خیزد وقتی می پذیریم که رقابت واقعی در عرصه بین المللی به همان صورت عمل می کند که رقابت بین بنگاه ها در داخل یک کشور: رقابت همواره به نفع قوی و به ضرر ضعیف عمل می کند.<sup>۱۹</sup>

اجازه بدهید برای چند لحظه به موضوع رقابت بین دو منطقه اقتصادی درون یک کشور بازگردیم. ما می دانیم که تمام مکاتب اقتصادی در مورد نتیجه رقابت اینچنینی اتفاق نظر دارند. منطقه ای که تولید کنندگان آن قادر به تولید کالاها با قیمت ارزان تر اند مازاد تجاری خواهد داشت. در مورد تجارت بین کشورها تمام مکاتب اقتصادی موافق اند که همین نتیجه در ابتدا رخ می دهد. کشوری که صادر کننده کالاهای ارزان قیمت تر است در تجارت پیشی می گیرد و دیگری دچار کسری تجاری می شود. علاوه بر این تمام مکاتب اقتصادی موافق اند که کشوری که دارای مازاد تجاری است نیز جاذب ارز می شود در صورتی که کشوری که از کسری تجاری رنج می برد ارز بیشتری نیز از دست می دهد.

از این نقطه به بعد است که مدل استاندارد تجارت و تئوری رقابت واقعی راهشان را از هم جدا می کنند. در این مقطع مدل استاندارد تجارت می گوید که در کشوری که دارای مازاد تجاری است، اگر دولت نرخ ارز را ثابت نگه دارد، جریان درون-سوی ارز که از طریق صادرات بیشتر وارد کشور می شود به تدریج قیمت ها در درون کشور را بالا می برد. و این نتیجتاً موجب می شود که نرخ کالاهای صادراتی هم افزایش یابد و لذا قیمت کالاهای صادراتی برای مصرف کنندگان خارجی نیز بالا خواهد رفت. پدیده عکس این تغییر قیمت نیز در کشوری که از کسری تجاری رنج می برد رخ می دهد. این خود موجب می شود که کشوری که در ابتدا با کسری تجاری روبرو می شود به تدریج بتواند بر اساس قیمت های پایین تر کالاهای خود، سهم بیشتری از بازار در کشور دارای مازاد تجاری را تصاحب کند و به تدریج تجارت بین دو کشور تعادل یابد. بر اساس تئوری مزیت نسبی هزینه ها، این دقیقاً اتفاقی است که باید بیفتد.

<sup>19</sup> Sheikh 1980, 1996; Milberg 1993, 1994

اما در این تئوری تضادی بنیادین وجود دارد. بر اساس این تئوری، پس از اینکه دو کشور با هم شروع به تجارت می کنند، «قیمت های نسبی» کالاهای آنها دیگر با «هزینه های نسبی» تولید کالاها تنظیم نمی شود. این در حالی است که پیش از آغاز روابط تجاری دو کشور، در رقابت بنگاه های داخلی هر کشور، قیمت کالاها بر اساس هزینه های نسبی تولید آنها مشخص می شد. بنابراین، در بدو امر، تجارت و رقابت بین دو کشور واقعا بر اساس هزینه های تولید در درون این کشورها آغاز می شود اما تئوری مزیت نسبی هزینه ها می طلبد که قیمت ها بر اساس تنظیم صادرات و واردات نوسان یابد یعنی اینکه هزینه های نسبی تولید در قیمت گذاری کالاها دخیل نیست. و این اساسا ناممکن است.<sup>20</sup>

تئوری رقابت واقعی به نتیجه ای دقیقا عکس این می رسد که با واقعیت کنونی تجارت جهانی بیشتر همخوانی دارد. در تمامی موارد، رقابت باعث می شود که قیمت ها بر اساس هزینه های واقعی تولید کالاها تعیین شود. در کشوری که در ابتدای رابطه تجاری از مزاد تجاری سود می برد، جریان درون-سوی ارز موجب می شود که پول بیشتری برای وام فراهم باشد و این موجب پایین آمدن نرخ بهره می گردد. برعکس، در کشوری که از کسری تجاری رنج می برد، جریان برون-سوی پول موجب می شود که اعتبارات برای وام گذاری کمتر و نتیجتا نرخ بهره افزایش یابد.

این تفاوت در نرخ بهره بانکی در دو کشور موجب می شود که سرمایه هایی که دنبال سود بیشتری از کشوری که در آن نرخ سود بانکی کمتر است به کشوری که در نرخ سود بانکی بیشتر است مهاجرت کند. به بیان دیگر، کشوری که دارای مزاد تجاری است همچنین تبدیل به کشوری وام دهنده می شود. و کشوری که از کسری تجاری رنج می برد تبدیل به کشوری مقروض می شود. یعنی به جای اینکه عدم تراز تجاری خنثی شود و تجارت بین دو کشور به حال برابری و تعادل در آید، نابرابری تجاری به صورت مزمن در آمده و کشورهای که دارای کسری تجاری اند در زمره کشورهای مقروض جهان نیز قرار می گیرند. و این با تصویری که در جهان امروز می بینیم کاملا مطابقت دارد.

<sup>20</sup> Sheikh 1980, 1996

بنابراین، تئوری واقعی رقابت بر این باور است که تجارت بین المللی واقعا به نفع کشوری است که قادر است کالاها را با کمترین هزینه تولید کند. هزینه های واقعی کالاها متکی به سه عامل است: دستمزدها، توسعه فناوری های تولید و منابع طبیعی. بالا بودن دستمزدها معمولا به قیمت کالاها می افزاید ولی بالا بودن سطح فناوری و فراهم بودن منابع طبیعی از قیمت ها می کاهد. کشورهای ثروتمند غالبا از سطح فناوری بالاتری برخوردارند و از منابع طبیعی نسبتا بالایی نیز بهره مندند، اما در این کشورها معمولا سطح دستمزدها نیز بالاست. کشورهای فقیر، از سطوح پایین تری از فناوری تولید برخوردارند، ولی در برخی موارد از منابع طبیعی سرشار و سطح پایین تر دستمزدها بهره مندند. رقابت بین المللی، یعنی همان تجارت بین المللی، این دو منظومه از عوامل را رو در روی یکدیگر قرار می دهد. در هر کشور، بخش هایی که در عرصه تجارت جهانی دارای موقعیت رقابتی برتری باشد رشد می کنند، کار می آفرینند، اما بخش هایی که توان رقابت ندارند، تضعیف شده و توان کارآفرینی و اشتغالزایی خود را از دست می دهند.

در این مقابله بین المللی، در کشورهای فقیر، بخش هایی از اقتصاد که متکی به نیروی انسانی بیشتری است رونق می یابند و بخش هایی که از نظر فناوری یارای رقابت با بخش های مشابه در کشورهای رقیب را ندارند، عقب می افتند. برعکس، در کشورهای ثروتمند، بخش هایی که از فناوری بالاتر بهره مندند و یا از منابع طبیعی موجود برخوردارند پیشی می گیرند.

تئوری رقابت واقعی با چهار نکته زیر بی اساس بودن مدل تجارت آزاد را نشان می دهد: نخست اینکه، با تقسیم کاری که رقابت بین المللی بین کشورها به وجود می آورد، هیچ تضمینی وجود ندارد که تجارت بین دو کشور قوی و ضعیف هرگز به حال تعادل و برابری بازگردد. در واقع، این رقابت باعث می شود که هر یک از کشورها فقط چند بخش انگشت شمار قوی داشته باشند و لذا صادرات آنها عملا محدودتر می شود. کشورهایی که دچار کسری تجاری اند دچار افت ذخایر ارزی می گردند و برای جبران این کسری متوسل به گرفتن وام از منابع خارجی و استفاده از دیگر روش های تشویق جریان درون-سوی سرمایه می شوند. معمولا بحران های مربوط با نقدینگی و رکود شدید اقتصادی از نتایج اجتناب ناپذیر اجرای این سیاست هاست.

ثانیا، در رقابت واقعی، هیچ تضمینی وجود ندارد که از میان رفتن مشاغل در یک بخش با ایجاد شغل در بخشی دیگر جبران شود. یعنی در برخی از کشورها، وضعیت شغلی مردم ممکن است با تجارت آزاد بین المللی بسیار وخیم تر شود.

ثالثا، برتری کشورهای فقیر به لحاظ پایین بودن دستمزد نیز به تدریج از میان می رود مگر اینکه توسعه فناوری ها در این کشورها شتاب بیشتری گیرد و یا اینکه نرخ دستمزدها نسبت به دستمزدهای مشابه در کشورهای ثروتمند با سرعت کمتری افزایش یابد. در اینجا متغیر مؤثر و تعیین کننده نرخ توسعه فناوری ها است. اگر کشورهای ثروتمند با سرعت بیشتری به توسعه فناوری ها در اقتصاد خود دست یابند، کشورهای فقیر ناگزیرند که در بخش هایی که در تجارت بین المللی جایگاهی برای خود دست و پا کرده اند دستمزدهای کارگران را پایین نگه دارند. اما این دقیقا با هدف توسعه در این کشورها، که کاهش فقر است، در تضاد است. اما با وجود آگاهی به این واقعیت، در سیاست های تجارت آزاد جهانی هیچ فکری برای شتاب دادن به توسعه فناوری ها در کشورهای فقیر نشده است تا شکاف بین این کشورها و رقبای ثروتمند آنها به تدریج از میان برداشته شود.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

و دست آخر، تجارت آزاد موجب می شود که امکان سرمایه گذاری توسط کشورهای ثروتمند در کشورهای فقیر به منظور بهره برداری از نیروی انسانی ارزان میسر و بسیار سودآور شود. این سرمایه داران واحدهای تولیدی را از کشورهای خود به کشورهای فقیر منتقل می کنند. نتیجه این عملکرد نه تنها بیکار شدن عده ای از کارگران در کشورهای ثروتمند است، بلکه موجب می گردد که صنایع داخلی در رقابت با سرمایه گذار خارجی که برای دسترسی به منابع انسانی و منابع طبیعی با آنها رقابت می کند از عرصه اقتصادی خارج شوند. سرمایه گذاران خارجی قطعا از این فعالیت اقتصادی سود می برند، اما خلاف انتظار مسئولان و مردم کشور میزبان، این نوع سرمایه گذاری خارجی، به علت بهره گیری بالا از فناوری پیشرفته، لزوما موجب اشتغالزایی نمی شود. یعنی ممکن است خیلی کمتر از تعداد مشاغلی که از بین می رود شغل ایجاد شود. نکته قابل تذکر در اینجا این است که سرمایه گذاران خارجی هرگز با هدف ایجاد شغل برای مردمان محلی به سرمایه گذاری خارجی اقدام نمی کنند.

## توسعه برای توسعه

طرفداران اقتصاد نئولیبرالی ادعا می کنند که تجارت آزاد بهترین راه دستیابی به توسعه و مبارزه با فقر در جهان است. اما این تفکر ریشه در این نظریه نادرست دارد که رقابت بین المللی، کشورهای قوی را به توازن فرا می خواند و کشورهای ضعیف را بالا می کشد. در صورتی که رقابت واقعی بسیار متفاوت عمل می کند: قوی را پاداش می دهد و ضعیف را تنبیه می کند. از این منظر، فشار نئولیبرال ها برای گسترش تجارت آزاد راهبردی است برای سود رساندن به شرکت های بزرگ با فناوری پیشرفته در کشورهای ثروتمند دنیا.

این واقعیت توضیح خوبی است برای اینکه چرا کشورهای غربی و بعد از آنها، ژاپن، کره جنوبی و دیگر کشورهای آسیایی قادر بوده اند که خود را در رقابت تجاری جهانی بالا بکشند. این کشورها در مراحل ابتدایی توسعه صنعتی خود، به شدت در مقابل تئوری ها و سیاست های تجارت آزاد از خود مقاومت نشان دادند. دیدگاه درست به واقعیت تجارت آزاد همچنین به ما درک روشن تری از انگیزه کشورهای ثروتمند در طرفداری از سیاست هایی که از آنها پشتیبانی می کنند می دهد؛ همان سیاست هایی که دستیابی بین المللی به بازارها، دانش و منابع را برای آنان تسهیل می کند. پس مسئله در اینجا مسطح کردن زمین بازی نیست، بلکه بهبود زمین و قواعد بازی برای کشورهای است که در این بازی جهانی عقب گذاشته شده اند. از این منظر، وانمود کردن به اینکه اقتصاد نئولیبرالی قرار است به سود کشورهای فقیر عمل کند، فریب بی رحمانه ای است.

## منابع

- Agosin, M.R. and Tussie, D. (1993) 'Trade and Growth: New Dilemmas in Trade Policy –An Overview', in *Trade and Growth: New Dilemmas in Trade Policy*. London: Macmillan.
- Arndt, S.W. and Richardson, J.D. (eds) (1987) *Real-Financial Linkages among Open Economies*. Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Bhagwati, J. (2002) *Free Trade Today*. Princeton: Princeton University Press.
- Chang, H.-J. (2002) *Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective*. London: Anthem Press.
- Harvey J.T. (1996) 'Orthodox approaches to exchange rate determination: a survey', *Journal of Post- Keynesian Economics* 18 (4), pp. 567-83.
- ILO (International Labour Organisation) (2001) *World Employment Report*. Geneva: ILO.
- Krugman, P. (1987) 'Is Free Trade Passe?', *Journal of Economic Perspectives* 1 (2), pp. 131-46.

- Magee, S.P. (1980) *International Trade*. Reading, Mass.: Addison-Wesley.
- McCartney, M. (2004) 'Liberalisation and Social Structure: The Case of Labour Intensive Export Growth in South Asia', *Post-Autistic Economics Review* 23 (5)  
[http://www.btinternet.com/~pae\\_news/review/issue23.htm](http://www.btinternet.com/~pae_news/review/issue23.htm).
- Milberg, W. (1993) 'The Rejection of Comparative Advantage in Keynes and Marx', mimeo, Department of Economics, New School for Social Research.
- Milberg, W. (1994) 'Is Absolute Advantage Passe? Towards a Keynesian/Marxian Theory of International Trade', in M. Glick (ed.) *Competition, Technology and Money: Classical and PostKeynesian Perspectives*. Aldershot: Edward Elgar.
- Rodrik, D. (2001) *The Global Governance of Trade: As if Trade Really Mattered*, United Nations Development Programme (UNDP).
- Shaikh, A. (1980) 'The Law of International Exchange', in E.J. Nell (ed.) *Growth, Profits and Property*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shaikh, A. (1996) 'Free Trade, Unemployment and Economic Policy', in John Eatwell (ed.) *Global Unemployment: Loss of Jobs in the 90s*. Armonk, N.Y.: M.E. Sharpe.
- Stiglitz, J.E. (2002) *Globalisation and its Discontents*. New York: W.W. Norton.
- UNDP (United Nations Development Programme) (2003) *Human Development Report*. Geneva: UNDP

---

\* انور شیخ، استاد اقتصاد در دانشگاه «مدرسه جدید برای تحقیقات اجتماعی» در نیویورک از جمله منتقدین بنام نظریه های اقتصادی حاکم در جهان به شمار می رود. شیخ به عنوان یکی از اقتصاددانان برجسته جهان در کتاب «اقتصاددانان برجسته» دانشگاه کمبریج، معرفی شده است. برای مطالعه بیشتر آثار وی به عناوین و صفحه اینترنتی زیر نگاه کنید.

*Globalization and the Myths of Free Trade: History, Theory, and Empirical Evidence*. London: Routledge, 2007

*Measuring the wealth of nations : the political economy of national accounts*. Cambridge: Cambridge University Press, 1994.

[www.eabbassi.ir](http://www.eabbassi.ir)

Anwar Shaikh Publications, The New School for Social Research  
[www.anwarshaikhecon.org/index.php/publications](http://www.anwarshaikhecon.org/index.php/publications)